

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۱۷ می ۲۰۱۸

اتفاقات احتمالی پس از خروج امریکا از برجام!

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری امریکا، روز سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت برابر با هشتم مه، رسماً اعلام کرد که ایالات متحده از توافق اتمی با ایران خارج خواهد شد و تحریم‌های تعلیق شده علیه ایران را باز می‌گرداند.

او افزود: «تا لحظاتی دیگر، من یک فرمان ریاست‌جمهوری را امضاء و صادر می‌کنم که تحریم‌های امریکا علیه حکومت ایران را باز می‌گرداند. ما بالاترین حد از تحریم‌های اقتصادی را اعمال می‌کنیم. هر کشوری که به کمک حرکت ایران برای دستیابی به سلاح اتمی بیاید هم قویاً از سوی ایالات متحده تحریم خواهد شد.»

نتیجه خروج امریکا از توافق هسته‌ای، عواقب مخربی برای منطقه خاورمیانه و در رأس همه جامعه ایران دارد. در حال حاضر جامعه ما، با دو سناریوی سیاه و با یک انتخاب آگاهانه مواجه است. این دو سناریو عبارتند از تحریم‌های بیش‌تر علیه ایران و یا حمله نظامی به ایران. در این دو سناریو، نه تنها شهروندان تأثیر چندانی ندارند، بلکه نظام‌گر و قربانی هستند. چرا که یک طرف آن‌ها حکومت اسلامی ایران و در طرف دیگر ائتلاف حاکمیت‌های نهان و آشکار امریکا، اسرائیل و عربستان در مقابل همدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. البته شاید در این میان حکومت اسلامی ایران، پشتش به حمایت چین و روسیه گرم باشد. اما تجربه دوران تحریم‌های اقتصادی ایران در گذشته، نشان داده است که آن‌ها هم مانند امریکا، صرفاً به دنبال منافع خود هستند. یعنی اگر منافع‌شان ایجاب کند براحتی پشت حکومت اسلامی و یا هر دولت دیگری را خالی می‌کنند تا لقمه چرب و نرم و چاقی به دست آورند. این خصلت عمومی سرمایه‌داری جهانی و همه دولت‌های حافظ آن است که همواره به دنبال کسب سود و نیروی کار ارزان و خاموش و امنیت سرمایه هستند. از این‌رو، هر جا این امکانات برای آن‌ها فراهم گردد بساط خود را در آن‌جا پهن می‌کنند.

اما انتخاب آگاهانه، همان انتخابی است که جامعه ایران، به ویژه نیروی جوان ایران در دی ماه [جدی] سال گذشته تجربه کرد. اگر هم‌زمان با اعتصاب بخش‌های مختلف کارگری از کارخانه‌ها تا دانشگاه‌ها، از بیمارستان‌ها تا مدارس، از ادارات تا محلات و میلیون‌ها بیکار و همچنین کارگران فرهنگی و هنری دست به اعتراض و اعتصاب متحدانه و سراسری بزنند و تشکلهای دلخواه خود به ویژه شوراها و مجالس عمومی خود را به وجود آورند و در مجامع عمومی خود، تصمیمات لازم را اتخاذ کنند و خودشان هم پیش ببرند آن‌گاه است که نه نیروهای ارتجاعی و آدمکش حکومت اسلامی توان حمله به آن‌ها را خواهد داشت و نه دولت‌های رقیب حکومت اسلامی جرأت محاصره اقتصادی و حمله به ایران را به خود راه خواهند داد. زیرا یک همبستگی جهانی با مبارزات آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه

با جنبش عمومی ایران شکل خواهد گرفت که به هیچ دولتی اجازه نخواهد داد به ایران حمله کند. این راهی است که در مقابل شهروندان آزاده جامعه ما قرار دارد.

در هر صورت در غیاب یک جنبش سرنگونی طلب آزادی خواه سراسری در ایران، اولین اقدام امریکا و متحدانش، تحریم اقتصادی ایران است. تجربه ساده و آشکار تحریم ها در گذشته، این بوده است که دود آن قبل از این که به چشم حاکمیت برود به چشم شهروندان می رود. چرا که بلافاصله تورم و گرانی و بیکاری چندین برابر می گردد و قدرت خرید مردم را به شدت پائین می آورد.

اکنون احتمال جنگ نیز دور از انتظار نیست. هر چند که این رویارویی در آغاز راه قرار دارد با این حال با توجه به حماقت های سران حکومت اسلامی و اسرائیل، احتمال جنگ قوی تر است.

برخی دولت ها نیز جنگ را یک راه حل برای برون رفت از بحران هایشان، یک نعمت «الهی» می دانند. این جمله خمینی را به یاد بیاوریم که در آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ گفته بود: «این یک نعمت الهی است» چرا که می دانست در سایه این جنگ، هم مخالفان خود را سرکوب و هم پاناسلامیسم خود را به عراق و منطقه صادر خواهد کرد. اما این جنگ خانمانسوز هشت سال طول کشید و ضایعات و ویرانگری های غیرقابل جبرانی از خود بر جای گذاشت. به خصوص الان باید توجه کنیم که جامعه امروزی ایران با جامعه آن روز بسیار متفاوت است و اکنون حکومت اسلامی ایران در نزد اکثریت مردم ایران و جهان یک حکومت منفور و جانی و تروریست و آدمکش فاقد پایگاه اجتماعی است. همچنین در حال حاضر حکومت اسلامی با بحران های شدید اقتصادی و سیاسی مواجه است.

اساساً در حال حاضر بسیاری از حکومت های سرمایه داری جهان، ظرفیت و پتانسل بسیار بالا و غیرقابل تصویری در سازمان دهی خشونت و جنگ و کشورگشایی و اشغالگری دارند. کافیست که فقط کمی به سخنان و موضع گیری های سران و مقامات حکومت اسلامی ایران، حکومت ترکیه، حکومت اسرائیل، امریکا، عربستان سعودی در منطقه و جهان توجه کنیم تا با زبان تهدید و خشونت، جنگ طلبی و تروریسم دولتی آشنا تر شویم.

اکنون خروج امریکا از توافق هسته ای، هر چند که هنوز با موافقت اروپا مواجه نشده است اما به دلیل آزمایش های راکت های بالستیک توسط حکومت اسلامی ایران و حضور نهان و آشکار آن در جنگ داخلی سوریه، یمن، عراق، افغانستان و حمایت از گروه های شیعه، تقریباً اجماعی بین اروپائی ها و امریکائی ها وجود دارد. بی تردید در چنین روندی، هم امریکا و هم اروپا تحریم های اقتصادی جدید را علیه ایران وضع خواهند کرد. در این میان، هر چند روسیه و چین با این تصمیم ترمپ مخالفند اما آن ها هم مانند امریکا به دنبال منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خویش هستند و اگر در جایی منافعشان ایجاب کند به احتمال زیاد از حکومت اسلامی دور خواهند شد.

برای مثال، وزیر خارجه آلمان، گفته است گرچه کشورش خواهان کمک به شرکت های آلمانی سرگرم تجارت با ایران است اما محافظت کردن از این شرکت ها در قبال آسیب ناشی از اعمال دوباره تحریم های امریکا علیه تهران، دشوار خواهد بود.

ولادیمیر پوتین، مشاور نظامی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه به خبرنگاران گفته است کشورش نه در حال تجهیز سوریه به راکت های اس-۳۰۰ است و نه در حال مذاکره برای تحویل بالقوه آن. این اظهار نظر مشاور رئیس جمهوری روسیه به دنبال سفر بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل به مسکو و دیدار او با ولادیمیر پوتین صورت گرفته است.

اما خطرناک تر آن است که دولت ترمپ، جنگ سیاسی و اقدامات خشونت باری را علیه ایران کلید بزند و به طور جدی در کنار اسرائیل و عربستان سعودی علیه ایران بایستد.

حکومت اسلامی ایران نیز تهدید کرده است که برجام را باطل خواهد کرد. اما شکی نیست که خروج حکومت اسلامی از برجام، ایران را در موضع خطرناکتری قرار خواهد داد. حکومت اسلامی، اگر غنی‌سازی اورانیوم با درجه بیشتری را آغاز کند و نیروگاه‌های نطنز و اراک و فردو را فعال‌تر کند آن‌گاه دوستان قلیلی که در سطح اروپا دارد از دست خواهد داد. حتی احتمال دارد با اعتراض چین و روسیه نیز مواجه گردد.

وزارت خزانهداری امریکا در حال تلاش برای تدارک «بازگشت سریع» تحریم‌های مختلف، شامل بازگرداندن فرمان‌های اجرایی دوره اوباما که طبق توافق فسخ شده بودند، می‌باشد. وزارت خزانهداری امریکا برای اجرای دستور و تصمیم رئیس‌جمهور امریکا، اعلام آمادگی کرده است.

ایران پس از تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵، در انتظار سیل سرمایه‌گذاران به سوی صنعت انرژی این کشور بود، اما به غیر از قرارداد فاز ۱۱ پارس جنوبی با شرکت توتال و شرکت چینی، ایران شاهد قرارداد عظیم دیگری در بخش نفت و گاز خود نبوده و انتظارات ایران در این زمینه تا به امروز برآورده نشده است.

ایران در بخش نفت و گاز و پتروشیمی به رقمی در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد. در بخش نفت اکثر چاه‌های نفت ایران در نیمه دوم عمر خود قرار دارند و سالانه ۸ درصد تولید نفت این میدان‌های نفتی به صورت خودکار کاهش می‌یابد و ایران برای افزایش ضریب بازدهی نفت نیاز به تکنولوژی و سرمایه کشورهای خارجی نیاز دارد.

در صورتی که تحریم‌های جدیدی از سوی دولت امریکا علیه کشورهایی که مایل به سرمایه‌گذاری در ایران هستند وضع شود، احتمال این‌که شرکت‌های بزرگ انرژی برای سرمایه‌گذاری در صنعت انرژی ایران با تردید روبه‌رو شوند افزایش خواهد یافت. ممنوعیت معامله دالری با ایران، نگرانی بانک‌های بزرگ از تکرار جریمه‌های سنگینی که پیش از این وزارت خزانهداری امریکا بر آن‌ها تحمیل کرده، همه و همه دسترسی شرکت‌ها به امکانات معامله با ایران را با مانع روبه‌رو کرده بود؛ آن‌هم در شرایطی که در این سال‌ها، به‌شکل رسمی و قانونی محدودیت‌ها برداشته شده بودند.

با توجه به بحران ارزی و اقتصادی موجود و میزان مصرف داخلی و همچنین انرژی ایران و بدون سرمایه‌گذاری‌های خارجی، احتمال این‌که ایران جایگاه خود را به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان نفت در اوپک، از دست دهد زیاد است. یعنی اگر ایران نتواند در این زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب کند موجب می‌شود که میزان تولید نفت ایران کاهش یابد. در اوپک هر کشوری که میزان تولید نفت آن پائین باشد، از میزان نفوذ آن کشور نیز کاسته می‌شود.

بنابراین، برای این‌که در اوپک توازن وجود داشته باشد، ایران باید تولید نفت را افزایش دهد. در حالی که چنین توان و موقعیتی ندارد. در چنین وضعیتی کشورهای صاحب تکنولوژی بیش‌تر در بخش‌های انرژی از جمله نفت و گاز، پتروشیمی، افزایش بهرموری چاه‌های نفت و ... علاقه‌چندانی به سرمایه‌گذاری در ایران نخواهند داشت. ایران در حال حاضر با توجه به ذخایر عظیم گازی کمتر از یک درصد از تجارت جهانی گاز را در اختیار دارد و برای افزایش این درصد احتیاج به سرمایه‌گذاری خارجی دارد.

در صورتی که تحریم‌های امریکا صادرات نفت ایران را نشانه بگیرد، آن وقت اعضای اوپک توافق کاهش تولید نیز به سختی می‌توانند به یک تصمیم مشترک دست یابند. عربستان سعودی که بیش‌ترین سهم در صادرات و کاهش سهمیه تولید را دارد از مدافعان تحریم ایران است، در حالی‌که روسیه که در دو سال گذشته به شریک اوپک تبدیل شده، با اعمال تحریم‌های جدید مخالفت می‌کند و رابطه نزدیکی با تهران دارد.

از دیگر مؤلفه‌های مؤثر بر بازار نفت افزایش تولید نفت ایالات متحده امریکا است. با وجود هشدارهای زیست محیطی، واشنگتن استخراج نفت از مناطق حفاظت شده را افزایش داده است.

در جمع‌بندی مطلب فوق می‌توان پیش‌بینی کرد که اگر دولت امریکا و هر دولت جنگ‌طلب دیگری تصمیم بگیرد که جنگی را آغاز کند، همهٔ زمینه‌های محکم‌پسند آن را فراهم می‌سازد. از این نظر، اکنون این زمینه علیه حکومت اسلامی در سطح منطقه‌ای و جهانی تا حدودی فراهم شده است. حکومتی که در سطح داخلی تنها هنرش سرکوب و سانسور و اعدام و تحمیل فقر و فلاکت بر جامعه است و در سطح بین‌المللی نیز حامی گروه‌های مذهبی شیعه و جنگ‌طلب است. بنابراین، می‌توان به چنین حکومتی هرگونه اتهامی را وارد کرد. در عین حال رقبای این حکومت نیز دست کمی از آن ندارند و هر جا پای‌شان رسیده است در آن‌جا تخم نفاق، خصومت، دشمنی و تروریسم دولتی و غیردولتی را کاشته‌اند و طبیعتاً محصول‌شان نیز همین‌هاست. کافی‌ست که نیم‌نگاهی به وضعیت فلاکت‌بار لیبیا، عراق، افغانستان و سوریه بیندازیم و کلاه خودمان را منصفانه قاضی قرار دهیم بی‌تردید به این نتیجه خواهیم رسید که سرنگونی کلیت حکومت جهل و جنایت اسلامی ایران آری! اما تحریم اقتصادی ایران و حملهٔ نظامی به این کشور نه! امر سرنگونی حکومت اسلامی ایران، امر مستقیم جنبش کارگری سوسیالیستی، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، خلق‌های ستمدیده و سرکوب شدهٔ سراسر ایران و نهادها و سازمان‌های دموکراتیک سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردمی است. نیروهائی که برای برپائی یک جامعهٔ آزاد، برابری، عادلانه و انسانی در ایران تلاش و مبارزه می‌کنند!

***برگرفته از: ششمین شمارهٔ نشریهٔ کمون، ۱۵ مه ۲۰۱۸**